

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش اولیاد در دعوت فرزندان به نماز

نویسنده: سمیرا اعتمادی

شرکت: پتروشیمی بیستون

استان کرمانشاه

شماره تماس: ۰۸۳-۳۱۷۳۱۷۰۰

همراه: ۰۹۳۷۱۶۵۷۱۲۲

ایمیل: Sales.bispc@gmail.com

آذر ماه ۱۳۹۸

فهرست

صفحه	شرح
۴	مقدمه
	توجه به شرایط سنی و مراحل رشد
۵	مرحله اول: (از ۳ تا ۱۲ سالگی).....
۶	مرحله دوم: (از ۱۲ تا ۱۶ سالگی).....
۶	مرحله سوم: (از ۱۶ تا ۲۰ سالگی).....
۷	الگوی عملی
۸	اعتدال و میانه روی.....
۹	نظارت و مراقبت.....
۱۰	رعایت تدریج
۱۱	تشویق.....
۱۲	سهل و آسان گیری
۱۳	الگونمایی
۱۵	تکرار و مداومت
۱۸	منابع

مقدمه

نخستین بستر تقویت روحیه عبادت به ویژه نماز در انسان، خانواده است. خانواده خصوصاً والدین، نخستین مرکز و کانون تعلیم و تربیت فرزندان است. اگر فرزند در خانواده ای رشد یابد که به دین و احکام عملی آن مؤمنانه و عاشقانه اهتمام می ورزند و به آموزه های آن از روی اخلاص و صداقت، گردن می نهند، امید بیشتری می رود تا فرزندشان نیز به آموزه های دینی احترام گذارد.

در حقیقت چگونگی ایفای نقش والدین و اهرم های تربیتی آن هاست که از همان ابتدا اعتقادات فرزند را شکل می دهد. باور قلبی پدر و مادر به عبادات و در رأس آن ها نماز و چگونگی برپایی آن همراه با ایجاد انگیزه و آموزش صحیح و یکپارچگی رفتاری آنان می تواند به همان میزان، نگرش فرزند را به نماز پایدار کند.

گاه مشاهده می شود والدین، اهل نماز هستند ولی فرزند آن ها در نماز گزاردن، سست و بی انگیزه و ناآگاه به احکام و معارف نماز است؛ شاید علت آن، فقدان به کارگیری شیوه های مناسب تربیتی و آموزشی از سوی والدین باشد.

والدین برای ایفای نقش آموزشی خود، علاوه بر آشنایی به اهمیت، فوائد، اسرار، فلسفه و احکام و آداب و افعال نماز که مقدمه کار می باشد، باید با شناخت اصول و روش های تربیتی مناسب و صحیح در جریان تدریجی آموزش نماز به فرزند خود، آنان را به کار گیرند. در غیر این صورت نمی توانند مریبان و آموزگاران مؤثر و خوبی در به انجام رساندن این وظیفه باشند.

تقویت بُعد شناختی نسبت به اسرار و فلسفه نماز و تبیین فواید و منافع آن باعث ایجاد و یا افزایش انگیزه در فرزندان و تشویق و ترغیب آنان در انجام رفتار نماز می گردد. همچنین موجب می شود به جا آوردن نماز برای آنان توأم با نوعی احساس ناخوشایند نبوده و به صورت یک رفتار خشک و بی روح در نظرشان جلوه ننماید.

پدر و مادر به عنوان اولین الگوهای تربیتی مطرح برای فرزندانشان در رابطه با نماز علاوه بر آموزش عملی، آن ها را با اسرار و معارف آن آشنا می سازند. و نقش آموزشی خود را در این ارتباط ایفا می نمایند. با توجه به این نقش به برخی از اصول و روش ها و شیوه های تعلیم و آموزش نماز، در قالب نکات مؤثر و کاربردی در امر آموزش اشاره می شود.

۱. توجه به شرایط سنّی و مراحل رشد

مرحله اول: (از ۳ تا ۱۲ سالگی)

امام باقر(ع) در حدیثی وظایف والدین و مربیان را در رابطه با آموزش نماز و کارهایی را که در این مرحله باید انجام دهند بیان فرموده اند. عبدالله بن فضاله از امام باقر یا امام صادق ۸ نقل می کند که فرمود: «آن گاه که فرزند سه ساله شد به او می گویند هفت بار بگو: لا اله الا الله وقتی سه سال و هفت ماه و بیست روز شد، به او می گویند: هفت بار بگو محمداً رسول الله. وقتی چهار ساله شد به او می گویند: هفت بار بگو صلی الله علی محمد و آل محمد آن گاه که پنج سالش تمام شد از او می پرسند: دست چپ تو کدام و دست راست تو کدام است، اگر جواب صحیح داد او را رو به قبله می کنند و می گویند: سجده کن و رهایش می کنند تا شش ساله شود.

امام(ع) در ادامه، بر لزوم آموزش رکوع و سجود و تا هفت سالگی تأکید فرموده و پس از آن به شستن دو دست و صورت اشاره فرموده است تا نه سالگی که وضو به طور کامل به او آموزش داده می شود در این حال، با قاطعیت با او رفتار می شود تا گرفتار مسامحه نگردد.

بر پایه این حدیث تا ۴ سالگی بایستی کلمه توحید لا اله الا الله و رسالت پیامبر رسول الله به کودک تلقین گردد. در واقع اذکار و شعارهای مهم اسلامی به او یاد داده می شود.

در ۵ و ۶ سالگی ایستادن رو به قبله و رکوع و سجود را به آن ها یاد داده تا گاه گاهی در کنار پدر و مادر آن را تمرین کنند تا به تدریج با انجام این فریضة مهم انس پیدا کنند.

در ۷ سالگی علاوه بر کارهای قبل از او خواسته می شود برای نماز، دست و صورت خود را بشوید. البته این شست و شو وضو نیست؛ زیرا در وضو ترتیب خاص و شستن دست از آرنج و مسح سر و پا لازم است، در حالی که در این سن تنها از کودک شستن دست ها تا مچ و شستن صورت را می خواهند. کودک این کار را تا ۹ سالگی - یعنی به مدت دو سال - تمرین می کند، و او را بر همین، مؤاخذه، و در صورت لزوم، تنبیه می کنند. (باید توجه داشت که مراد از این تنبیه، کتک زدن نیست بلکه متناسب با شرایط و فضای موجود، تنبیه متناسب صورت می گیرد). این کار را نیز تا سن بلوغ ادامه می دهند. بدین ترتیب، کودک حدود چهار سال نیز نماز صحیح را تمرین می کند. طبیعی است که در طول این مدت، کودک با نماز آشنا می شود و به آن عادت می کند و این عادت در او پایدار می شود.

در دوره کودکی والدین علاوه بر آشنا ساختن کودک با اذکار و افعال نماز، بایستی با استفاده از احادیث و آیات قرآنی ساده، به ضمیمه داستان های نماز و شعر برخی از فوائد و آثار و اهمیت نماز را برای آنان مطرح سازند. و توجه به مفاهیم تسلیم، تکلیف، شکر و سپاس، درک حضور خالق و ایجاد ارتباط میان نماز و این مفاهیم، به عنوان فلسفه به پا داشتن نماز، در برنامه های روزانه زندگی خود و فرزندانشان جای دهند.

مرحله دوم: (۱۲ تا ۱۶ سالگی)

در این مرحله دوران کودکی پشت سر گذاشته می شود و فرزند به دوره نوجوانی که پلی میان کودکی و بزرگسالی است وارد می شود. باید با آداب و احکام نماز در حد اقامه صحیح نمازهای یومیه به طور کامل آشنا شود. و والدین به سؤالات نوجوانان در ارتباط با نماز به صورت منطقی و با زبانی ساده و در خور فهم آنان پاسخ دهند. و او با برخی دیگر از آثار و فوائد و حکمت های نماز آشنا گردد. در این جا این نکته قابل ذکر است که هر چند فلسفه نماز و آموزش آن از نظر علمی می بایستی مقدمه آموزش رفتاری و عملی نماز قرار گیرد. اما برنامه تربیتی نماز به گونه ای از طرف شارع مقدس طراحی شده که پرداختن به آن قبل از فهم دقیق فلسفه آن نه تنها از ضرورت آن نمی کاهد، بلکه تکرار آن با رعایت شرایط، خود مقدمه ای برای دریافت درونی فلسفه انجام این نوع از عبادت می شود، به تعبیر دیگر به دلیل ویژگی های رشد انسان، خصوصاً در دوره نوجوانی در سه بعد شناختی، عاطفی و حرکتی، تنها بخشی از فلسفه نماز را می توان در قالب آموزش های مستقیم و غیر مستقیم به نوجوان آموزش داد.

حال آن که عمده آموزش آن بایستی به مرور و تدریجاً مورد توجه والدین قرار گیرد. همچنین در این سنین به تدریج می توان مسأله قرب خدا را برای فرزند مطرح نمود، او می تواند در شأن و شرایطی باشد که حضور خود را در پیشگاه خداوند یا قرب او احساس کند. جهان را محضر خدا بداند و در همه حال به یاد او و با احساس حضور او باشد.

مرحله سوم: (۱۶ تا ۲۰ سالگی)

دوره جوانی در رابطه با آموزش نماز، دوره آشنایی عمیق تر و ژرف تر با فلسفه، آثار و احکام نماز است. و علاوه بر این، برخی از شرایط درونی نمازگزار مانند خضوع و خشوع قلبی در نماز نیز آموزش داده شدند. در این مرحله والدین باید توجه داشته باشند که روحیات جوان بیشتر با بحث های استدلالی - اقناعی هم خوانی دارد و کمتر مطالب را به صورت تعبدی می پذیرد. بنابراین نمی توان انتظار داشت که او فقط با سفارش های اخلاقی و دینی در مسیر نمازگزاری قرار بگیرند و ثابت قدم شود.

دامنه آموزش احکام نماز، نباید محدود به احکام الزامی شود، بلکه باید مستحبات نماز و نمازهای مستحب، نیز آموزش داده شوند و او را به انجام مستحبات و پرهیز از مکروهات دعوت و تشویق نمود. زراره می گوید: در جوانی خدمت امام باقر(ع) رسیدم، برای من از وصف نماز و روزه مستحبی گفت، وقتی سختی و سنگینی این اعمال را در چهره من مشاهده نمود، به من فرمود: نماز و روزه مستحبی مانند نماز و روزه واجب نیست که هر کس آن ها را ترک کند، هلاک شود، بلکه مستحب است. اگر آن را ترک کردی می توانی قضا کنی. این حدیث نشان می دهد که در این سنین باید این گونه معارف نماز را به جوانان آموزش داد.

۲. الگوی عملی

روش اصلی آموزش نماز به ویژه آداب و احکام آن، روش عملی است و روش اصلی معصومین: نیز برای آموزش نماز روش عملی می باشد. بدین معنا که به جای توضیح و بیان شفاهی چگونگی نماز خواندن، آن را در برابر مخاطبان انجام می دادند و از آنان می خواستند تا مانند آنان نماز بخوانند. از پیامبر(ص) روایت شده که در مقام آموزش نماز می فرمودند: «صلوا کما رأیتمونی أصلی»

همان طور که دیدید من نماز می خوانم، نماز بخوانید. والدین بایستی توجه داشته باشند که بعضی از مطالب را از راه عمل، بهتر و آسان تر و عمیق تر می توان آموزش داد زیرا که با حواس فرد سر و کار دارد و ماندگارتر است. آموزش مسائل نماز هم از این دسته می باشد. آموزش نظری و شفاهی نماز برای کامل شدن نیاز به بخش عملی دارد. والدین می توانند خود افعال و اعمال نماز را به طور صحیح انجام دهند تا فرزندشان ببیند و یاد بگیرد و یا این که او را وادار کنند تا خود انجام دهد و آن ها اشتباهات و اشکالات او را در این رابطه تصحیح نمایند. باید توجه نمود زمانی که فرزند خسته و یا دارای کسالت و بی رغبتی است از تعلیم دادن و وادار نمودن او به انجام افعال نماز خودداری شود.

همچنین آموزش عملی همراه با مهر و محبت و پرهیز از زور و خشم صورت گیرد. زیرا علاوه بر شناخت، احساسات و عواطف و امور خوشایند، مواد اولیه در زمینه افزایش، رغبت و علاقه نسبت به کار و عمل را تشکیل می دهند. پس با ایجاد احساسات خوشایند در فرزند می توان زمینه یادگیری مطلوب تر و سریع تر رفتار نماز را در او ایجاد کرد.

۳. اعتدال و میانه روی

هر عمل و آموزش تربیتی بایستی همراه با میانه روی و با تکیه بر آن باشد، از حد اعتدال بیرون نرفته و به افراط و تفریط کشیده نشود. جهت گیری تربیت اسلامی نیز بر این است که انسانی تربیت کند که در همه امور زندگی متعادل باشد. انسانی که مشی و راه و رسمی متعادل داشته باشد، در قرآن از زبان لقمان حکیم به فرزندش آمده است: « وَ أَقْصِدْ فِی مَشِیْکَ ... در رفتارت میانه رو باش.»

والدین متعادل هیچ گاه از مرزهای اعتدال خارج نمی شوند و گام در مسیر افراط و تفریط نمی گذارند. به بیان علی(ع) انسان جاهل است که جز در افراط و تفریط سیر نمی کند. چنان که فرموده است: «لا تری الجاهل اما مفراطاً؛ جاهل را نمی بینی مگر این که یا افراط می کند یا تفریط». در واقع راه تربیتی درست راه اعتدال است. با استفاده از مقدمه بالا، والدین در امر آموزش نماز به فرزندان خود باید توجه داشته باشند که اگر در جنبه آموزش روش تفریط را در پیش بگیرند، یعنی در این کار سهل انگاری نموده و در زمان لازم آموزش های لازم را ارائه ندهند، به مثابه این است که محتوا و مفهوم سنجیده ای را در رابطه با نماز وارد

زندگی فرزندشان ننموده اند. که این کار بی انگیزه و بی تفاوت شدن نسبت به نماز را در پی داشته و در نتیجه عدم اشتیاق و رغبت به نماز و مسامحه کاری و سهل انگاری و استخفاف نماز را به دنبال دارد. افتادن در ورطه افراط در تبیین مسائل نماز و آموزش آداب و مستحبات و فلسفه نماز بدون در نظر گرفتن توانایی و ظرفیت فرزند و سهل نگرفتن در این رابطه، موجب بدبینی و انزجار از نماز می شود؛ و یا خو گرفتن اجباری به اعمال و اوراد خاص در مواقع معین، موجب تکراری شدن عمل و خشک و بی روح شدن آن می شود. والدین در این امر باید توانایی و ظرفیت های روحی و روانی فرزند خویش را در نظر گرفته و در آموزش معارف نماز و عادت دادن آنان به نماز سخت نگیرند و در سنین پایین یادگیری و رعایت آداب و مستحبات نماز را از آنان نخواهند. اصرار و پافشاری بعضی از والدین از روی جبر و اکراه بدون توجه به توانایی و آمادگی فرزندشان در یاد دادن مسائل نماز باعث می شود آنان ناخودآگاه لا مذهب ها و عقده ای های آینده را بپرورانند. چنین فرزندانی در اولین فرصت که به قدرت و استقلالی دست پیدا کنند دین و عبادت را ترک می نمایند و طبیعی است که مسئولیت این وضعیت متوجه والدینی است که زمینه ایجاد چنین رفتارهایی را فراهم نموده اند.

۴. نظارت و مراقبت

تربیت فرزند مانند پرورش نهالی است که تا استحکام نیافته به نظارت و مراقبت نیاز دارد. نظارت در طول جریان تربیت لازم و ضروری است. هر چه نظارت کامل تر باشد، بهره تربیتی بیشتر خواهد بود. به کارگیری این اصل در تثبیت رفتار نماز و درونی شدن معارف آن در فرزند از سوی والدین اجتناب ناپذیر است. ممکن است فرزند ما در نحوه انجام دادن برخی از اجزای نماز دچار اشتباه شود، و یا در یادگیری و درک قسمتی از معارف نماز دچار خطا شود. با رعایت این اصل خطاهای احتمالی او شناسایی و اصلاح، و شرایط لازم برای استمرار پیدا کردن رفتار نماز فراهم می شود. در این ارتباط ائمه اطهار: در مواردی که مشاهده می نمودند شخصی در ادای فریضه نماز دچار اشتباه شده، به او تذکر می دادند و شکل صحیح آن را بیان می کردند. به عنوان مثال در سیره ای امام کاظم(ع) به کسی که در رکوع کمرش را صاف نگه نمی داشت تذکر داده و او را از آن کار نهی نموده اند. علی بن عقبه می گوید: امام کاظم(ع) مرا در مدینه دید در حالی که نماز می گزاردم و در رکوع سرم را بالا گرفته و کمرم را صاف نگرفته بودم. کسی را نزد من فرستاد که این کار را مکن.

والدین توجه داشته باشند که در توجه و مراقبت آن چه از طرف آن ها انجام می شود و یا تذکر داده می شود به منظور پیش گیری و حفظ و یا اصلاح خطاها و اشتباهات فرزند در نماز است. نه به قصد اجبار نمودن و گرفتن آزادی های لازم و یا استقلال از آن ها است. در این صورت او، اعتماد به نفس خود را به

راحتی از دست می دهد و خود را فردی تصور می کند که همواره نیاز به نظارت و مراقبت دارد و همه به دنبال این هستند که او اشتباه و خطایی را مرتکب نشود. و به تدریج این باور در وی شکل می گیرد که اگر مرتکب خطایی در مسائل نماز شود، دیگران به او تذکر می دهند و نتیجه آن که در رابطه با انجام نماز نه تنها تدبر و فکر نمی کند بلکه احساس وظیفه ای هم در او شکل نمی گیرد. و همین طور توجه شود که فرزند نوجوان یا جوان ما از نظر عاطفی نیز، زود رنج، حساس و شکننده است به گونه ای که تحمل کمترین مخالفت، سرزنش و مراقبت مستقیم دائمی و پیوسته را ندارد. از این جهت باید بسیار مواظب بود که علاوه بر به کارگیری شیوه های مراقبت غیر مستقیم در کنترل و نظارت بر او - در قالب گفتار و رفتار خود - جانب احتیاط و اعتدال رعایت شود.

حساسیت و زود رنجی نوجوان و جوان به ویژه در سال های آغازین نوجوانی که او استقلال و جدایی را تجربه می کند بیشتر خود را نشان می دهد. در حدیثی از امام علی (ع) آمده است: «هرگاه نوجوانی را توبیخ کردی، راهی برای او در توجیه گناهش باز گذار تا موجب لجاجت و دشمنی او نشود».

والدین ضمن نظارت بر رفتار عبادی فرزند خود، در کنار تذکر خطاها بایستی او را مورد تشویق و محبت خود نیز قرار دهند و برای کسب شناخت بیشتر معارف نماز و ایجاد رفتار مطلوب نسبت به آن او را یاری رسانند. نکته دیگر این که اگر آن ها به دنبال سلامت دینی و مذهبی فرزند خود هستند باید در انتخاب دوست و دوستی ها فرزند خود به طور غیر مستقیم ابزارهای نظارت و کنترل را به کار گیرند که هر گونه بی توجهی و یا کم توجهی نسبت به این مهم سلامت مذهبی و شخصیت فرزندشان را با مشکلات اساسی مواجه خواهد ساخت. نزدیک ترین دوستان فرزندشان خصوصاً در سنین نوجوانی در صورتی که نگرش مثبت به نماز داشته باشند در گرایش او به فریضه نماز نقش مهم و به سزایی را خواهند داشت. همچنین در صورتی که بی تفاوت و لاقید به این رفتار عبادی باشند زمینه کاهش رغبت و تمایل به آن ایجاد می شود. و ناخودآگاه او را بی ایمان و تارک الصلوه می سازند.

۵. رعایت تدریج

والدین بایستی در تمام مراحل آموزش تمکن و توانایی فرزندشان را در نظر بگیرند و او را به تدریج به سوی نماز حرکت دهند. نباید انتظار داشت که فرزند به سرعت معارف نماز را فرا گرفته و اهل عبادت و نماز شود. نماز عصاره اسلام و مظهر مسلمانی است و چنان که در قرآن آمده امری عظیم است. از این رو نمی توان انتظار داشت که یک شبه یا یک ساله کودک به تحمل آن عادت کند، بلکه باید به تدریج آن را بیاموزد، به رموز آن پی برد و خود را به آن خو دهد. شاید بدین سبب است که معصومان: حدود هشت سال را برای این امر اختصاص داده و توصیه کرده اند که آموزش نماز، از مسجد شروع شود و به تدریج به نماز کامل برسد.

در این فرایند، به موازات رشد کودک، آموزش نماز جدی تر و کامل تر می شود تا در سن ۹ و ۱۰ سالگی به اوج خود می رسد. در آموزش نماز آهسته آهسته و گام به گام حرکت نکردن، به منزله شتاب زدگی، افراطی و نامتعادل عمل نمودن است. اغلب سیر تدریجی در مراحل تربیت مورد غفلت قرار می گیرد. شتاب زدگی، آفتی است که میوه و شاخ و برگ درخت تنومند تعلیم و تربیت را می خشکاند و موجب دین گریزی متربی می شود. تربیت عبادی نیاز به بستر سازی لازم و حرکت تدریجی از سوی والدین دارد. یکی از فلسفه های نزول تدریجی آیات قرآن رعایت همین اصل تربیتی یعنی تدریج بوده. زیرا اگر قرآن به یک باره بر مردم نازل می شد، یک مرتبه زیر بار نمی رفتند و پذیرش آن سخت و ناممکن بود. فرزند نباید یک باره بار سنگینی از وظایف را در رابطه با نماز بر دوش خود احساس کند، و خود را به انجام دادن آن ملزم بداند. تکالیف سنگین، زود هنگام و خارج از طاقت و توان او، ممکن است صدمه ای جبران ناپذیر بر نگرش او نسبت به نماز وارد سازد. صاحب نظران تعلیم و تربیت در این باره معتقدند اگر پیام تربیتی با سرعت و تعجیل و بدون در نظر گرفتن فرصت درون سازی از جانب کودک صورت گیرد هر چند مظاهر یک انتقال صوری انجام گرفته است، اثر آن پایدار و ماندی نخواهد بود.

۶. تشویق

تشویق یکی از بهترین ابزار تربیتی است که در ایجاد و تقویت باورهای دینی و همچنین در روند آموزش نماز و تداوم و استمرار آن بسیار مؤثر است. از این ابزار تربیتی بایستی به جا و به موقع استفاده شود، تا ایجاد انگیزه و تقویت نسبت به رفتار نماز در فرزند نماید.

والدین توجه داشته باشند که در بسیاری از موارد، بی میلی یا کم میلی فرزندشان نسبت به نماز با تشویق برطرف می شود، هر چند این ابزار آگاهی لازم را در مورد حقایق و معانی نماز ایجاد نمی کند ولی زمینه مناسبی برای ایجاد رغبت و علاقه به نماز را به وجود می آورد، تا این که به مرور زمان معرفت های لازم در مورد نماز به دست بیاید. تشویق فرزند در عین حال که باید به عنوان یک روش تحریک کننده و جهت دهنده جزو برنامه های والدین قرار بگیرد، باید به اندازه باشد، نباید به صورت افراطی و کنترل نشده مورد استفاده قرار گیرد. در این صورت نتیجه مطلوب خود را از دست می دهد. علی (ع) فرموده است: «ستایش بیش از استحقاق، تملق است، و کمتر از استحقاق درماندگی یا رشک بردن است».

دقت شود که میزان و فاصله تشویق ها در صورتی که فرزند برای انجام رفتار نماز انگیزه درونی پیدا نمود، به مرور و به تدریج کاهش یابد. تشویق باید به جا و به مورد و متناسب با میزان و نوع عمل باشد و روحیه فرزند در انتخاب نوع و شکل آن یعنی تشویق زبانی، رفتاری، مالی، معنوی و غیر این ها ملاحظه شود. تشویق ابزار ایجاد انگیزه است و نباید خود به صورت هدف درآید. فرزند باید خواندن نماز را مانند دیگران،

وظیفه خود بداند و در واقع تشویق او به عنوان ابزار رضایت از انجام وظیفه اش باشد، یعنی والدین نشان دهند که از پیشرفت و عمل او در ارتباط با نماز رضایت دارند و بعد در سنین بالاتر به او فهمانده شود که خدا هم از این عمل او راضی است. در دوران کودکی، فرزند باید احساس کند که به نقطه محکمی متکی است و محبت والدین در تشویق او دروغین نیست، ولی نمی بایست فکر کند که این محبت خلل ناپذیر است. همچنین باید توجه داشت که انسان در هیچ دوره ای، از تشویق بی نیاز نمی باشد، یعنی تشویق خاص دوران کودکی نیست، بلکه نوجوان و جوان نیز نیازمند تأیید و تحسین هستند و آن چه تفاوت می کند نوع تشویق در رابطه با آن هاست که بایستی متنوع و متناسب با شرایط سنی و نیازهای روانی آن ها باشد.

۷. سهل و آسان گیری

آیین تربیت اسلامی براساس سهل و آسان گیری بنا نهاده شده است.

پیامبر اکرم(ص) فرموده است: ای مردم همانا دین و آیین خدا آسان است.

آن هایی که با روش و اعمال خود در مقام و جایگاه مربی با سخت گیری ها و نادیده گرفتن توان و ظرفیت متری سبب دین گریزی وی شوند، از راه و رسم پیامبر اکرم(ص) دور شده اند. که آن حضرت فرموده است: «من بر دین حنیف ملایم، یا آسان، مبعوث شده ام و هر کس با راه و رسم من مخالفت ورزد از من نیست». والدین توجه داشته باشند، توان و ظرفیت فرزند خود را در آموزش نماز و عادت دادن فرزندشان به نماز خصوصاً در دوران کودکی که هنوز به آن حد از رشد و توانایی جسمانی نرسیده اند را در نظر داشته باشند. و توقع عبادت بزرگسالان را از او نداشته باشند. معصومان: رعایت بسیاری از آداب و مستحبات نماز را از کودکان نمی خواستند. فضیل بن یسار می گوید: علی بن حسین(ع) به کودکان دستور می داد، نماز مغرب و عشا را با هم بخوانند و می فرمود: «این بهتر از آن است که بخوابند و نماز عشاى آنان قضا شود».

باید شیوه های آموزشی والدین در امر نماز به گونه ای باشد که در فرزند احساس اجبار، سخت گیری، دل زدگی و خستگی ننماید و نماز برای او امری سنگین و کسالت بار جلوه نکند. باید به دور از خشونت و سخت گیری کاری کرد که در او میل، رغبت و شوق پذیرش نماز و معارف آن ایجاد شود.

همچنین وجود برخی سهل انگاری ها در نوجوانان و یا بازی گوشی کودکان در نماز نباید با خشونت و رفتار تند والدین همراه باشد، ایجاد فضای معنوی، افزایش آگاهی، وجود رابطه عاطفی بین پدر و مادر و فرزندان، بهترین راه برطرف کردن این امور است.

۸. الگو نمایی

یکی از بهترین و کوتاه ترین روش های تربیت، ارائه نمونه و تربیت عملی است. در این روش نمونه ای عینی و قابل تقلید و پیروی، در برابر متربی قرار می گیرد که در صورت مقبولیت، متربی تلاش می کند در همه چیز خود را همانند الگوی مطلوب سازد.

انسان در مراحل مختلف حیات خویش، نیاز به الگو دارد. اندیشمندان بر این باورند که پیروی و همانند سازی به دو صورت ناآگاهانه و آگاهانه انجام می شود. تقلید ناآگاهانه در کودکی است. ولی در دوران خودشناسی و تسلط و نظارت بر قوای ادراکی و تحریکی و شناخت سود و زیان خود در جامعه، عمل تقلید در بزرگسالان، بی تردید با انگیزه های آگاهانه است.

والدین با در معرض مشاهده قرار دادن رفتار و اعمال خود، بسیاری از مسائل اخلاقی، عبادی و تربیتی را در درون فرزند خود شکل می دهند و به وجود می آورند. در تمام سنین خصوصاً در هفت سال دوم از مهم ترین الگوهایی هستند که مورد توجه و تقلید فرزند قرار می گیرند. کلیه رفتارهای آن ها سرمشقی است برای کودکان و نوجوانانشان، والدین به عنوان الگوهای تربیتی در سراسر مراحل تربیت می درخشند. لذا در تمام مراحل بایستی برای فرزند خود مظهر عمل باشند نه حرف.

امام صادق (ع) می فرمایند: «مردم را دعوت کنید اما نه با زبان تان، تا مردم از شما تلاش و کوشش و راستی و تقوا ببینند».

والدین در خانواده در انجام عبادت نقش الگویی دارند، اگر پدر و مادر در راه حق قدم بردارند و به عبادت خدا بپردازند، فرزند نیز از آن ها الهام گرفته و قاعدتاً در همان راه قدم می گذارد. و بدین شکل مشی و روش انجام عبادت از سوی والدین در معرض دید او قرار می گیرد، یافته ها حکایت از آن دارد که در خانواده هایی که والدین نمازگزارند، فرزند آن ها بیشتر به عبادت و نماز روی می آورد و اگر نماز نخوانند و در انجام عبادت سستی کنند، فرزند خود را به سستی و بی رغبتی در نماز سوق می دهند. والدین توجه داشته باشند که فرزند آن ها پیوسته می آموزد و نسبت به هر چیزی که یاد می گیرد احساس تازه ای پیدا می کند. آن ها باید تلاش کنند که یادگیری های او با تجارب خوشایند و دوست داشتنی همراه باشد. وقتی که انسان از موضوع یا مسأله ای که با آن روبه رو شده است، احساس خرسندی و خشنودی کند، آن موضوع یا مسأله را به راحتی، و با رغبت و رضایت به خاطر می سپرد و دیرتر فراموش می کند.

بر مبنای آن چه گفته شد باید زیباترین و خوشایندترین اوقات کودکان و نوجوانان در کانون خانواده زمانی باشد که بزرگ ترها، به خصوص پدر و مادر آماده اقامه نماز می شوند. زمانی که فرزند بارها و بارها چنین

حالت زیبایی را در والدین خود مشاهده کند. در روحش احساس بسیار لطیف و خوشایند پدید می آید و به نماز و نمازگزار، مکان و حالت نماز علاقه مند می شود.

آثار عملی عبادت که در معرض دید او قرار می گیرد، تأثیر دعوت را دو صد چندان می کند.

سعدی در این ارتباط چنین می سراید:

بزرگی سراسر به گفتار نیست دو صد گفته چون نیم کردار نیست

یکی از مهم ترین علل خانوادگی نمازگیزی، این است که خود پدر و مادر به نماز توجه نکنند.

در خانواده ای که پدر و مادر به نماز خود اهمیت نمی دهند و نماز را در آخر وقت، بدون رعایت آداب ظاهری و باطنی به جا می آورند و هیچ گاه در مسجد و جماعت حاضر نمی شوند، نمی توان انتظار داشت که فرزندان نمازگزار تربیت شوند.

والدین به یاد داشته باشند که در آموزش نماز به فرزند، خود نقش الگویی را بر عهده دارند. بایستی آشکارا، مواظب اعمال و رفتار خود باشند و آن چه را که به او آموزش می دهند خود پیشگام در عمل نمودن به آن باشند. و تعارض بین گفته ها و عملشان ایجاد نشود.

۹. تکرار و مداومت

تکرار و مداومت یک اصل ضروری در آموزش به شمار می آید. درباره اهمیت استمرار و مداومت در عمل، علی(ع) فرموده اند: «اعمال کمی که بر آن مداومت داشته باشید، امیدوار کننده تر از اعمال بسیاری است که از آن ها خسته شوید». از عوامل مؤثر در یادگیری معارف و احکام عملی نماز، تمرین و مداومت بر آن است.

فراگیری اولیه برای ماندگاری در ذهن کافی نیست. برای تثبیت یادگیری ها، لازم است که به اشکال گوناگون، به صورت ذهنی و عملی تمرین انجام گیرد تا والدین به اهداف آموزشی مورد نظر در ارتباط با نماز دست یابند. والدین باید تلاش کنند که در اثر مداومت در اجرای هر برنامه ای، فرزندشان فعالیت عبادی خود را به صورت امری واجب و دائمی درآورد و همیشه خود را به رعایت آن ملزم بداند، و این مسأله را در نظر داشته باشند که تکرار و تمرین باید متنوع باشد تا فرزند از تکرار در یادگیری خسته نشود و انگیزه و اشتیاق خود را از دست ندهد. و برای کسب عادت نماز تمرین ها و مداومت لازم را در این ارتباط انجام دهد. والدین آگاه با ذوق و ابتکار خود و با زبان ها و بیان ها و شیوه های متنوع خود می توانند بستر تمرین متنوع را فراهم آورند و فرزند را به تکرار و مداومت بر تمرین در فواصل زمانی معین تشویق کنند. همچنین هر چه تمرین با علاقه، توجه و دقت بیشتری انجام شود، تأثیر پایدارتری بر جای می گذارد. والدین در این

ارتباط علاوه بر در نظر گرفتن آمادگی جسمانی و روحی و روانی فرزند خود، و حفظ انگیزه یادگیری باید از شیوه های جذاب، متنوع و دلنشین استفاده کنند تا از خستگی و بی حوصلگی و کسالت بار بودن روند آموزش ممانعت شود. تکرار می تواند با پرسش و پاسخ، چکیده گویی، استفاده از تمثیل، داستان و یا استفاده از قالب های هنری متعدد و یا از جنبه های غیر مستقیم باشد به طور مثال هر بار سجاده نماز را در جلوی دیدگان فرزند خود پهن نموده و یا با او در نماز جماعت حاضر شویم تا تکرار در مداومت عمل حاصل شود.

پدر و مادر به عنوان اولین مربیان تعلیمی و تربیتی، مؤثرترین نقش را در قبال ترویج فرهنگ نماز و آموزش آن عهده دار می باشند. و در ادای این امر خطیر و نقش آفرینی، باید توجه کامل در به کار گرفتن نکات مطرح شده به عنوان برخی از اصول و روش های تربیتی در امر آموزش را داشته باشند. در ذیل به طور خلاصه به این نکات اشاره می شود.

- در هر مرحله از آموزش نماز و برنامه ریزی در جهت آن، باید شرایط سنی و رشد فرزند و آمادگی او از نظر جسمانی و روانی، در نظر گرفته شود و متناسب با آن تعلیمات لازم ارائه گردد.

- روش عملی، روش اصلی در آموزش افعال، آداب و احکام نماز می باشد. آموزش عملی می بایست همراه با مهر و محبت و پرهیز از زور و خشونت و در زمان مناسب خود یعنی زمانی که فرزند از نظر جسمانی، روانی و عاطفی آمادگی های لازم را دارد، ارائه شود.

- افراط و تفریط موجب بی انگیزه، بی تفاوت شدن، سهل انگاری و یا بدبینی و انزجار از نماز می شود. در این رابطه والدین باید راه اعتدال را در پیش گیرند. خصوصاً در سنین پایین یادگیری و رعایت آداب و مستحبات نماز را از فرزند خود تقاضا نکنند.

- به کار گیری اصل نظارت و مراقبت در تثبیت رفتار نماز و درونی شدن معارف آن نقش مؤثر و عمیقی دارد. با رعایت این اصل خطاهای احتمالی فرزند شناسایی و اصلاح و شرایط لازم برای تداوم پیدا نمودن رفتار نماز ایجاد می شود.

- رعایت تدریج و آهسته حرکت نمودن در تعلیم و ترویج نماز امری ضروری است.

فرزند نباید یک باره بار سنگینی از وظایف را در رابطه با نماز بر دوش خود احساس کند، و خود را به انجام دادن آن موظف بداند، در این صورت ممکن است صدمه ای جبران ناپذیر بر نگرش و اشتیاق او نسبت به نماز وارد سازد.

- در بسیاری از موارد، بی میلی یا کم میلی فرزند نسبت به نماز با تشویق برطرف می گردد. تشویق باید به اندازه باشد، نباید به صورت افراطی و کنترل نشده مورد استفاده قرار گیرد.

- والدین توجه داشته باشند در مقام مربی با روش و اعمال خود در قالب سخت گیری ها و نادیده گرفتن توان و ظرفیت متربی سبب دین گریزی وی نگردند. و در دوران کودکی و نوجوانی از فرزند خود توقع عبادت بزرگ سالان را نداشته باشند. و در رعایت اصل آسان گیری دقت لازم را داشته باشند.

- والدین به یاد داشته باشند که در آموزش نماز به فرزند خود نقش الگویی را بر عهده دارند. بایستی آشکارا، مواظب اعمال و رفتار خود باشند و آن چه را که آموزش می دهند، خود پیشگام در عمل نمودن به آن باشند.

- والدین باید با استفاده از روش تکرار و مداومت کاری کنند که فرزندشان فعالیت عبادی خود را به صورت امری واجب و دائمی درآورد و همیشه خود را به رعایت آن ملزم بدانند.

منابع:

۱. حر عاملی، ج ۲۱
۲. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت
۳. کلینی، اصول کافی، ج ۳
۴. الاحسائی، عوالی اللئالی الغریزیه فی الأحادیث الدینیہ، ج ۱
۵. قرآن مجید سوره مبارکه لقمان
۶. نهج البلاغه
۷. لطف آبادی، حسین، روان شناسی رشد کاربردی، نوجوانی و جوانی، ج ۱
۸. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰
۹. الهندی، ج ۳
۱۰. الخطیب البغدادی، ج ۷
۱۱. کلینی، ج ۳
۱۲. هاشمی، سید مجتبی، تربیت و شخصیت انسانی، ج ۱،
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۶۷